

فصل سوم:

ملک تاج خانم - نجم السلطنه - ، مادر مصدق

ملک تاج خانم - نجم السلطنه، مادر مصدق ، دختر فیروز میرزا نصرت الدوله (اول) فرمانفرما پسر شانزدهم عباس میرزا - نایب السلطنه - ، پسر دوم فتحعلیشاه و عموی ناصرالدین شاه قاجار بود. مادر نجم السلطنه، حاجیه هما، دختر بهمن میرزا ملقب به بهالدوله پسرسی و هفتم فتحعلی شاه بود. همان شاهزاده ای که اول حاکم کاشان بود و بعداً حاکم یزد شد. (۱۸)

نجم السلطنه، در واقع " نوه " عباس میرزا و " نتیجه " فتحعلی شاه بود. اوسی خواهر و برادر داشت که دو نفر از آنها بنام های عبدالحسین میرزا فرمانفرما (نصرت الدوله دوم) و سرور السلطنه ملقب به حضرت علیا - همسر مظفرالدین شاه - « تنی » بودند. (۱۹)

نجم السلطنه از ازدواج با «میرزا هدایت وزیر دفتر» - ازدواج دومش - دو فرزند (یک پسر و یک دختر) داشت ، بنامهای :

- محمد مصدق السلطنه و
- دفتر الملوک .



حواشی، توضیحات و مأخذ کتاب اول

- ۱۸ — مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، جلد ۲، صفحات ۵۴ و ۲۲۷.
- علی مصدق و ایرج افشار، مصدق و مسائل حقوق و سیاست، چاپ اول سال ۱۳۸۲، شجره نامه. و
- ۱۹ — نجم السلطنه اگرچه همچون دیگر شاهزادگان دوران قاجار تعداد زیادی خواهر و برادر داشت (جمعاً ۳۰ نفر). ولی، تا آنجا که تحقیقات در اینمورد نشان داده است، از آن تعداد ۳۰ نفر، فقط یک برادر و یک خواهر بنامهای:
- عبدالحسین میرزا فرمانفرما و سرور السلطنه ملقب به حضرت علیا، "تتی" بوده اند.
- عبدالحسین میرزا فرمانفرما داماد مظفرالدین شاه — شوهر عزت السلطنه —، پدر فیروز میرزا نصرت الدوله — عاقد قرارداد ۱۹۱۹ — و مریم فیروز از فعالین حزب توده بود.
- مریم فیروز زن دکتر نورالدین کیانوری یکی از رهبران حزب توده بود —.
- سرور السلطنه ملقب به **حضرت علیا** — همسر مظفرالدین شاه —، مادر شکوه الدوله (همسر سید ابوالقاسم خاتون آبادی، امام جمعه تهران، برادر زن دکتر مصدق) و فخرالدوله (مادر دکتر علی امینی) و ناصرالدین میرزا ناصری بود.
- دکتر مصدق در صفحات ۱۴۶ و ۱۵۸ کتاب خاطرات و تألمات از "نزهت الدوله نوه ی میرزا تقی خان امیر کبیر و دختر خاله ام" صحبت کرده است، متأسفانه در هیچ یک از کتابهایی که در رابطه با مصدق به نگارش در آمده اند و من موفق به مطالعه آنها شده ام، با نامی بنام "نزهت الدوله" نوه ی میرزا تقی خان امیر کبیر، برخورد نکردم. در تماسهایی که در این مورد با افراد مختلف در داخل و خارج کشور گرفتم، نتوانستم پاسخی در اینمورد مشخص پیداکنم. در شجره نامه ای که علی مصدق و ایرج افشار تحت عنوان «شجره نامه مادری: بازماندگانی از خانم ملک تاج دختر فیروز میرزا نصرت الدوله» تنظیم کرده اند در آنجا در کنار نامهای فخرالدوله، شکوه الدوله و ناصرالدین میرزا ناصری، از فرد چهارمی بنام "شکوه السلطنه"، نام برده شده است و هیچگونه اشاره ای به این مسئله که نزهت الدوله دختر کدام خاله دکتر مصدق است، بطور دقیق برخورد نشده است.
- اما عباس اقبال آشتیانی در کتابی بنام "میرزاتقی خان امیر کبیر"، فصل دوازدهم، صفحه ۳۸۳ صحبت از خانم "نزهت الدوله" دختر منور السلطنه خواهر فرمانفرما که با پسر امیر کبیر ازدواج کرده بود، نموده است. در واقع نزهت الدوله دختر ساعدالملک پسر امیر کبیر و نوه پسری میرزاتقی خان امیر کبیر است.
- عباس اقبال آشتیانی در همان صفحه نوشته است، "نزهت الدوله" دختر منور السلطنه در جوانی بیوه می شود. دکتر مصدق نیز در کتاب خاطرات در صفحه ۱۴۶ نوشته است

" نزهت الدوله نوه ی میرزا تقی خان امیر کبیر و دختر خاله من برای حفظ املاک و اموال خود با ضرغام علیو سردار عشایر که ده ها سال از او کوچکتر بود ازدواج کرده بود."

متن نوشته عباس اقبال آشتیانی در اینمورد بقرار زیر است.:

« چون از میرزا احمد خان ساعدالملک یگانه پسر امیر [کبیر] فرزند نرینه ای نمانده است باید گفت که نسل نرینه مرحوم امیر به مرگ این یگانه پسرش منقرض شده. عموم کسانی که به امیر انتساب دارند فرزندان دختران یا فرزندان دختران پسر اویند. زوجه میرزا احمد خان ساعدالملک ، خانم منورالسلطنه خواهر عبدالحسین میرزا فرمانفرما [خاله و دای مصدق] بود و از ساعدالملک سه دختر ماند یکی امیرزاده خانم [امیرالحاجیه] عیال صالح خان آصف الدوله، دومی نزهت الدوله عیال حاج حسین قلی خان نظام الدوله [وفات نظام الدوله در سال ۱۲۹۲ اتفاق افتاد] ، سومی زینت الحاجیه زن میرزا رضا امام جمعه پسر حاج میرزا جواد مجتهد. (* - ۱۹ - الف)

اما خانم عزت الدوله [خواهر ناصرالدین شاه] زن امیر [میرزا تقی خان امیر کبیر] فقط دو دختر داشت یکی تاج الملوک دیگری همد الملوک » .

برای کسب اطلاعات بیشتر در اینباره، لطفاً به شجره نامه خانم نجم السلطنه - مادر مصدق - در همین بخش کتاب مراجعه کنید.

- (* - ۱۹ - الف) - حاج میرزا جواد مجتهد تبریزی پسر میرزا احمد خوئی (بروایتی دیگر میرزا احمد رامغانی) یکی از مجتهدین با نفوذ تبریز بود که با قرارداد تنباکو (قرارداد رژی) مخالف بود. ضروریست همچنین خاطر نشان کرد که دولت روسیه نیز با قرارداد تنباکو مخالف بود ، که علاوه بر تحریک، ناصرالدین شاه را برای لغو قرارداد شدیداً تحت فشار قرار داده بود. عده ای از مردم تبریز قرار می گذارند که بخاطر اعتراض و مخالفت با قرار داد تنباکو، تمام عیسویان ساکن آن شهر را در روز عاشورا به قتل برسانند. بنا بر یادداشت های روزانه اعتمادالسلطنه ، آن خبر را " امیر نظام " از تبریز به " امین السلطان " در تهران تلگرافی اطلاع می دهد. ناصرالدین شاه طی تلگرافی از حاج میرزا جواد مجتهد ، روحانی که بموجب دستخط خود او را در سال ۱۲۸۸ قمری بمقام امام جمعه آذربایجان منصوب کرده بود، می خواهد تادر تبریز " رفع فتنه کند " . در اینمورد مهدی بامداد به نقل از یادداشت های روزانه اعتماد السلطنه نوشته است که :

« ... شبانه تلگرافی به مجتهد تبریز حاجی میرزا جواد آقا می شود که رفع این فتنه را از شما میخواهم. روز تاسوعا مجتهد در خانه خودش که مجلس روضه بود بالای منبر می رود و می گوید : « من دیشب فخر کاینات (ص) را در خواب دیدم بسیار پریشان و مضطرب بودند عرض کردم البته برای این دهه عاشورا خاطر مبارک مشوش است فرمودند خبر رذالت اهالی تبریز اوقات مرا تلخ دارد که در سر یک کار بی معنی خون چندین هزار بی گناه ریخته خواهد شد حالا بگوئید چه کرده اید و چه خیال دارید که پیغمبر را از خودتان این طور رنجاده اید . حضار اقرار کردند که ما خیال داریم فردا عیسویها را قتل کنیم . مجتهد می گوید تحمل کنید اول بشاه عرض کنید هرگاه چاره نشد آنوقت مختارید مردم آرام شدند و عریضه ای از ملا و تاجر و غیره بشاه نوشته اند همگی مهر کرده فرستادند که چهل و دو سال است سلطنت می کنی محض طمع مملکت خودت را

قطعه قطعه بفرنگی فروخته ای خود دانی اما ماها اهل آذربایجان خودمان را بفرنگی نمی فروشیم و تا جان داریم می کوشیم...» (** - ۱۹ - ب)

مهدی بامداد همچنین متذکر شده است که در آنزمان عبدالحسین میرزا نصرت الدوله فرمانفرما - دانی مصدق - در خدمت ولیعهد - مظفردین میرزا - ، در تبریز بسر می برده است. و حاج میرزا جواد مجتهد از رقبای (سر سخت محمد رفیع نظام العلمای تبریزی برادر میرزا فضل الله وکیل الملک بود. میرزا فضل الله وکیل الملک منشی باشی ولیعهد - مظفردین میرزا - ، شوهر سوم نجم السلطنه ، مادر مصدق بود). برای اطلاعات بیشتر در این مورد به پاورقی ۲۶ مراجعه کنید.

- (** - ۱۹ - ب) - بامداد، مهدی ، شرح رجال ایران ، جلد اول ، چاپ سوم ۱۳۶۳ ، صفحات ۲۹۵ تا ۳۰۰ .